

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۱ مارچ ۲۰۲۱

امیر سفاک و رؤیای کاذب "غنی احمدزی"!

شنبه- ۳۰ حوت ۱۳۹۹ - کابل: هرچند در تاریخ افغانستان معاصر به خصوص بعد از دفع اولین تجاوز انگلیس بر افغانستان بدین سو، تمام امراء، شاهان و زمامدارانی که به قدرت رسیده اند، هیچ یک از آنها با دستان پاک و بدون آلودگی به خون بیگناهان خلق قهرمان افغانستان حاکمیت ننوده اند، مگر از جمع آنها چند تن در سفاکی و خونریزی، انسان کشی و واسکت بریدن ها و زنده به گور نمودن ها، گوی رقابت را از دیگران ربوده اند. یکی از مهره های درشت جمع اخیر، امیر عبدالرحمان خان بود که دستانش تا مرفق به خون تمام خلق افغانستان آغشته بود.

تاریخ به ما می آموزاند، زمانی که تجاوز دوم انگلیسها از طرف خلق قهرمان افغانستان دفع گردید و اقضا نقاط افغانستان به مثابه مجمری پر از آتش برای متجاوزان مبدل شد، آنها جهت نجات جان خودشان، یک تن از خاینان ملی و دشمن مردم افغانستان را با تمام قواء بر گرده خلق قهرمان افغانستان سوار نمودند، این فرد کسی نبود به جز امیر سفاک و جلاد خلق "عبدالرحمان خان".

زمانی که "عبدالرحمان خان" این نوکر بی آرم و وطنفروش سفاک به قدرت رسید از آنجائی که در سرتاسر افغانستان ضدیت و مبارزه علیه اشغالگران بریتانیائی جزئی از وجدان جامعه آنروز را می ساخت و امیر به مثابه دست دراز استعمار انگلیس به حاکمیت رسیده بود، در تمام افغانستان قیامهائی علیه وی آغاز یافت. قیامهائی که از حماسه سازان میوند من جمله "ایوب خان" شروع و با جانبازی جانبازان فداکار خلق چون ملا مشک عالم، ملا عبدالغفور لنگری، شاخه های مختلف اقوام غلجائی و درانی، میر بچه خان کوهدامنی و هزاران آزاده دیگر ادامه یافت.

امیر سفاک و وطنفروش در ۱۲ سال اول حاکمیتش تلاش نمود تا به کمک مالی و تسلیحاتی انگلیس ها و با سوءاستفاده از ناآگاهی و فقر مفرط توده های میلیونی و در همکاری با خوانین تمام اقوام من جمله جنرال "محمد حسین خان" هزاره، لشکری تهیه و تقریباً تمام مناطق پشتون نشین را به خاک و خون کشد.

امیر سفاک و وطنفروش، در آستانه خیانت تاریخی به افغانستان و مشخصاً دو شقه نمودن خلق پشتون از طریق امضای معاهده ننگین دیورند، برای آن که بتواند ذهنیت های عقب مانده توده های میلیونی خلق پشتون را از خیانت تاریخی خودش منحرف بسازد، یک شبه دوستان و حواریون و سربازان دیروزش یعنی هزاره ها را دشمن اعلام داشته با گرفتن فتوای جهاد علیه هزاره ها از چند ملای دینفروش، لشکر های قومی پشتون را با شعار "سر هزاره از من، مال و ناموسش از شما" به جان مردم هزاره که تا آنزمان نه تنها هیچ مخالفتی با وی و نظامش نداشتند، بلکه طی ۱۲ سال

گذشته در رکابش شمشیر زده، به امر وی خون خلق پشتون را ریختانده بودند، انداخته از کشته ها پشته ساخته، با ساختن کله منارها، واسکت بریدن ها، و به بردگی کشاندن و فروش خلق مظلوم هزاره و ظلم و جنایت را به اوج آن رسانیدن، حاکمیتش را مستحکم ساخته، قادر شد ظرفیت مبارزاتی آزادیخواهانه خلق پشتون را به جای حرکت در مسیر اصلی آن که دفاع از وجب به وجب خاک کشور و نقد مسلحانه معاهده ننگین دیورند بود، در بیراهه هزاره کشی سوق دهد.

وقتی امروز به روند قضایای حاضر نظر می اندازیم، دیده می شود که تاریخ در حال تکرار شدن است. یعنی "غنی احمدزی" که در جریان ۶ سال گذشته، به مثابه سگ زنجیری امپریالیسم عمل نموده ضمن آن که خلق پشتون را زیر نام طالب به وسیله عساکر مزدور دولت دست نشانده و بادرانش به قتل رسانیده، جغرافیای جنگ را نیز در تمام کشور گسترش داده است، اینک به بهانه تعقیب یک جنگسالار که خودش وی را بر گرده مردم سوار نموده است، با توپ و تانک و از زمین و هوا، به لشکر کشی بر هزاره جات آغاز نموده است.

هموطنان گرامی!

آنچه امروز زیر نام تعقیب "علیپور" اتفاق می افتد، دقیقاً کاپی و کاریکاتور مضحک همان سیاستی است که امیر سفاک در آستانه عقد معاهده دیورند و جهت انحراف افکار خلق پشتون به راه انداخت. اخبار و گزارشات روزانه نشان می دهد که "غنی احمدزی" در آستانه امضای قراردادی خایانه تر از معاهده ننگین دیورند است، از همین رو نیاز دارد تا جهت اغفال و فریب اذهان عامه به خصوص خلق پشتون، با شعار جنگ علیه هزاره ها و به فتوای یک تن از توله سگان استعمار "سمیع سادات" قومندان قول اردوی ۲۱۵ میوند که در فیسبوکش نوشت: "نیروهای امنیتی هواداران علیپور را در پوسته ها، حوزات، شاهراه ها، دهات، شهرها، بهسود، کابل و شهرها، «مثل سگ های دیوانه» با افتخار شکار کنند" عملاً دستور نسل کشی هزاره ها را زیر نام حامیان "علیپور" صادر می نماید.

هموطنان گرامی!

"علیپور" هرگاه تمام ادعا های رژیم در موردش صحت داشته باشد، فردیست به مانند "گلبدین، دوستم، سیاف، مسعودها، خلیلی ها، دوستم ها" و ده ها و صد ها و هزاران جنگسالار دیگر در اقصا نقاط افغانستان. ما به عنوان باشندگان این سرزمین می باید این شرافت و وجدان را داشته باشیم که به همان سان که کشتار سایر اقوام را به بهانه تعقیب این و یا آن جنگسالار محکوم می نمائیم، حمله به هزاره ها و مباح اعلام داشتن خون هزاره ها را نیز محکوم نموده، به جنایتکاران و توله سگانی از قماش "سمیع سادات" و بقیه حواریونش که همین اکنون جهت تحکیم یک نظام مستعمره، در خون خلق پشتون غوطه می خورند، اجازه و امکان این را مساعد نسازیم تا از سکوت ما سوءاستفاده نموده، خلقهای دربند کشور ما را یکی پی دیگری به نفع امپریالیسم و ارتجاع به خاک و خون بکشند.

هموطنان گرامی!

"غنی احمدزی" و باند جاسوسش به خصوص "حمداالله محب" این جاسوس آشکار امریکا و انگلیس، که اینک زیر فشار بادران شان قرار دارند، می خواهند یا به مانند معاهده دیورند، عملاً با تجزیه افغانستان موافقت نمایند، یا هم تمام مردم ما را در پای ارتجاع هار طالبی قربانی نمایند و یا هم می خواهند برای حفظ چوکی و قدرت خودشان، بر آتش جنگ هیزم تازه بریزند، از همین رو نیاز به جذب همدردی کاذب گویا پشتونها را تبلیغ می دارند تا ضمن فریب مردم، لشکر شان را ساماندهی بنمایند.

هموطنان گرامی!

در جنگ ارتجاعی کنونی، تمام طرفهای درگیر دشمنان ملت ما اند، می خواهند نیروهای مسلح "علیپور" ها باشد یا نیروهای امنیتی و ابسته به امپریالیسم. این را باید بدانیم که گریستن بر مزار سربازان و قومندانان دو طرف، در عمل حمایت از خیانت و آدمکشی است. این را باید بدانیم که شعار دفاع از پیلوتان کشته شده به همان اندازه خاینانه و ضد انقلابی است که کسی بیاید بر کشته یک تن از قومندانهای طالب و بقیه جنایتکاران بگرید. این کار را فقط آنهایی انجام می دهند که با انقیاد طلبی تصفیه وجدانی ننموده باشند و تا هنوز رگه های پیدا و پنهان انقیاد طلبی در عروق شان وجود داشته باشد.

هموطنان گرامی!

بیائید با موضعگیری آگاهانه و انقلابی، "غنی احمدزی" را از رویای کاذبی که در آن به سر برده، گاهی خود را در لباس امیر عبدالرحمان خان می بیند و زمانی در لباس دیگری، با لگدی از آن خواب بیدار نموده، به وی بفهمانیم که نه افغانستان امروز افغانستان دهه ۹۰ قرن ۱۹ است و نه ما نسل آنروز، که نتوانیم ترفندهای جواسیس و جنایتکاران را درک نمائیم.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!